

موسيقى مرگ در تاريخى شب نواخته مى شد. زنى وحشت زده منتظر آمدن يك مرد بود. غير از او يك نفر ديگر هم انتظار مى كشيد. هر دو مرد خواننده مراسم عروسى بودند. صداى آنان مجالس زيادى را به شور درآورده ولي اينك هيچ شورى در كار نبود. وقتى مرگ از راه رسيد، سه نفر از مهر كه گريختند و يك نفر روى زمين مانده بود. وقتى پليس روابط آن يك نفر با اطرافيايش را بررسى كرد، همه چيز از يك انتقام شخصى حكايه مى كرد!

## امينه افروز

**تو تنها ماندی؟**

نه، من در چهارده سالگی ازدواج کرده بودم. من و همسرم محمد خیلی همدیگر را دوست داریم و ثمره ازدواجمان یک پسر به نام پوریا است که ۸سال دارد.

**در این پرونده چه کسی کشته شده؟**

مراحم تلفنی ام.

**توضیح بده که چه اتفاقی افتاد؟**

ما ساکن شهر جدید هشتگرد بودیم. بعد از سیزده سال دوری از خواهر و برادرم، برای دیدن مادرم و دو برادرم به سوریه رفتیم. ۲۱ روز در آن کشور ماندیم. برادرم یک گوشی همراه به من کادو داد. قبل از رفتنم، شخصی به صورت تلفنی مزاحمم می شد. او با موبایل همسرم تماس می گرفت. وقتى بر حسب اتفاق گوشی را من برمی داشتم، پیشنهاد دوستى می داد!

از این موضوع ناراحت بودم و سعی می کردم تلفن های همسرم را جواب ندهم. وقتى از سوریه برگشتم و من سیم کارتى اعتبارى در آن گوشی انداختم، با کمال تعجب، او به همان شماره زنگ زد.

**شماره اش مشخص نمی شد؟**

او همیشه با تلفن کارتی زنگ می زد. فقط یک بار اوآخر برابم ام اس فرستاده بود که گوشی من فارسی خوان نداشت و همه حروف به صورت مربع آمده بود. آن روز متوجه نشدم که این اس ام اس متعلق به آن مزاحم است.

**پس چگونه او را شناسایی کردید؟**

محمد از من خواست با او یک قرار بگذارم تا ببیند چه کسی است. خودش موضوع را به برادر شوهرم گفته و هر سه نفر با هم سر قرار رفتیم.

**ادامه بده!**

در تاریكى شب سر قرارمان در فاز یک هشتگرد، کمی بالاتر از خانه خودمان ایستاده بودم. وقتى او آمد، برای اولین بار قیافه اش را دیدم. شوهرم او را شناخت. بعد از شناختن، با هم درگیر شدیم. او روزگار، خواننده ارکستر عروسی بود.

شوهرم هم که خواننده یک ارکستر دیگر عروسی ها بود، گاهی او را در مجالس دیده و یک آشنایی دور در حد سلام و علیک داشتند. من صحنه درگیریشان را نگاه نکردم. خیلی وحشت زده بودم و فکر می کردم با یک دعوا، همه چيز تمام می شود و دیگر او مزاحمم نمی شود.

**روزگار چگونه کشته شده بود؟**

اودر ماشینش تیر داشت. آن را برداشته و همسرم هم چاقو درآورده بود.

**او چه طور شماره تلفنت را پیدا کرده بود؟**

قبل از کشته شدن روزگار، در حین درگیری، محمد با تهدید از او خواسته بودگوید چه طور شماره مرا پیدا کرده، او هم گفته بود به زن صیغه ای ام لیلیا و زن عموی زنت هر کدام ۵۰۰هزار تومان داده ام تا شماره زنت را به من بدهند!

**زن عمویت با تو اختلافی داشت؟**

نه، اصلاً تعجب من هم همین است که چرا این ظلم را در حق من کرده بود؟عمومی

زنى كه در ماجرای این پرونده دستگیر شده، مى گوید: ...در تاریكى شب سر قرارمان در فاز يك هشتگرد، كمى بالاتر از خانه خودمان ایستاده بودم. وقتى او آمد، برای اولین بار قیافه اش را دیدم. شوهرم او را شناخت. بعد از شناختن، با هم درگیر شدیم. او روزگار، خواننده ارکستر عروسی بود. من صحنه درگیریشان را نگاه نکردم. خیلی وحشت زده بودم... آرزو جبهٔ بهترین مددجویان اندرزگاه نسوان است که در بخش فرهنگی فعالیت می کند. جرم او این است: اطلاع از قتل! مسیب تمام

## سلسله گزارشهایی از زندان ؛

# موسیقی مرگ در تاریکی شب!



**دروخ ادعاهای منم به معنای تائید یا رد آن نیست**

گرفتاری خود را زن عمومیش می داند. من متولد ۱۳۶۲ هستم و ۲۶ سال دارم. مادرم همسر دوم پدرم بود. همسر اولش فوت کرده و در همان ازدواج اولش، سه پسر و یک دختر داشت. سیزده سال قبل، پس از ازدواج دوم مادرم، خواهر و برادران ناتنی ام به خارج از کشور رفتند. خواهرم ساکن لندن، یک برادرم ساکن دانمارک و دو برادرم ساکن سوریه هستند. شش سال پیش پدرم فوت کرد و مادرم نزد دو برادرم در سوریه رفت.

با آن که موضوع را می دانست ولی گفت هیچ اطلاعی از این مزاحمتها ندارد. با مرگ روزگار هم نتوانستیم ثابت کنیم که او قبل از مرگ چه گفته!

**چه مدت این مزاحمتها ادامه داشت؟**

چهار ماه.

**چرا به تلفن های شخصی همسرت جواب می دادی؟**

چون در خانه تلفن نداشتم و بیشتر وقتها تلفن در دست من بود. فکر نمی کردم مشکلی به وجود آید. می توانم بگویم این تلفن مال هر دوی ما بود.

**چه حکمی برایتان صادر شده؟**

متأسفانه برای محمد حکم قصاص صادر شده، من هم شش سال حبس دارم. برادرشوهرم هم زندانی است که با محمد در یک اندرزگاه هستند. برادرشوهرم در زمان دستگیری، کمتر از ۱۸ سال داشت.

**شغل همسرت همین خوانندگی بود؟**

نه، کار اصلیش برق بود. دیپلم فنی برق را داشت.

**چند نفر شاکی دارید؟**

مادر، برادر، همسرش و فرزندی که در زمان مرگ پدرش، هنوز به دنیا نیامده بود. چند ماه بعد از مرگ روزگار، بچه به دنیا آمد، حالا آن بچه ۲ ساله است.

**همسر روزگار از ازدواج دوم او خبر داشت؟**

نه، تا بعد از مرگش او نمی دانست شوهرش یک زن صیغه ای به نام لیلیا دارد.

**پسرت کجاست؟**

پیش مادرشوهرم.

**او را می بینی؟**

بله، مادرشوهرم زن خیلی مهربانی است. هر هفته او را برای ملاقات می آوردم، ولی افسوس که اجازه نمی دهند خودش هم وارد سالن ملاقات شود. تا دم در پوریا را می آورد و از همان جا به داخل می فرستد. پسرم تنهایی به ملاقات می آید. خودم تقاضا داده ام که مادرشوهرم را ببینم، شاید هفته آینده بتوانم او را ببینم و حضوری بابت تمام زحمات مادرانه اش تشکر کنم.

**چه آرزویی داری؟**

اشک در چشمانم آرزو جمع می شود و قبل از آن که بتواند حرفی بزند، روی صورتم می غلتد: آرزوی آزادی خودم وشوهرم وبرادرشوهرم... وآرزوی بزرگم این است که بتوانم یک روز خودم پوریا را به مدرسه ببرم. پارسال او روز اول مهر، بدون مادرش به مدرسه رفت. امسال هر بار به دیدنم می آید، می گوید مامان، پس کی آزاد می شوی تا خودت مرا به مدرسه ببری... آرزوی این که دست بچه ام را بگیرم وبه مدرسه ببرم...

آرزوی این زن در همین جملات می ماند. دیگر نمی تواند ادا دهد. مزاحمتی که می توانست با یک شکایت و پیگرد قضایی خاتمه یابد، به تسویه حسایی خونین منجر شد و دو هنرمند را درگیر نمود... یکی به عنوان قاتل و دیگری به عنوان مقتول...

**با تشکر از آقای سهراب سلیمانی مدیر کل محترم زندانهای استان تهران، آقای**

**علی حاجی کاظم مدیر محترم زندان رجایی شهر و آقای علی تراکشوند رئیس اداره امور فرهنگی و تربیتی زندان**

### آگهی احضار متهم

در پرونده کلاسه ۰۴۷۵/۸۶۱۱۴۶۰/۹۹۸۶۱۱۳۳۰۰۳۳۴این بازپرسی آقای یوسف حریزآوی به اتهام ایراد ضرب و جرح عمد با چاقو تحت تعقیب این مرجع واقع و آخرین آدرس وی حسب محتویات پرونده شناسایی نشده است، با توجه به گزارش مأمورین انتظامی، نامبرده در آدرس تعیین شده مورد شناسایی واقع نگردید و هیچگونه آدرس دیگری از وی در پرونده وجود ندارد. نظر باینکه وقت رسیدگی پرونده یکماه بعد از نشر آگهی در روزنامه تعیین گردیده است. به استناد ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری با درج مراتب در روزنامه کثیرالانتشار به نامبرده ابلاغ می شود تا در وقت و ساعت مقرر فوق در شعبه هفتم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز جهت رسیدگی به اتهام خود حاضر شود. بدیهی است در صورت عدم حضور، دادگاه مستنداً به ماده ۲۱۷قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب غایباً به موضوع رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی خواهد نمود. در صورتیکه بعد از این آگهی مجدداً ابلاغی بوسیله آگهی لازم باشد فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار صورت پذیرفته و مدت آن ۱۰ روز است.

**۱۶۶۶بازپرس شعبه هفتم دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز**

### دادنامه

پرونده کلاسه:۰۳۱۱/۹۹۸۶۱۱۵۵۰۰۸۶۰۹۹۸۶۱۱۳۳۰۰۳۳۴ احکام: ۸۸۰۹۹۷۶۱۱۳۳۰۰۳۳۴ رسیدگی: ۱۳۸۷۰۴/۳۱ شعبه ۱۱۰دادگاه جزائی اهواز شاکى : مجید ساکی فرزند عبید اهواز، خشایار، بین زینب و سروش ، پ ۶۷۴ متهم: آقای جواد صریحی نژاد فرزند ناصر مجهول المکان اتهام: ایراد ضرب و جرح عمدی

در خصوص اتهام آقای جواد صریحی نژاد فرزند ناصر دایر بر ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به آقای مجید ساکی دادگاه با بررسی و مطالعه کلیه اوراق و محتویات پرونده و تحقیقات بعمل آمده و گزارش مرجع انتظامی و سایر قرائن و امارات موجوده در پرونده از جمله گواهی پزشکی قانونی، شکوائیه شاکى، گواهی گواهان، عدم حضور متهم علیرغم احضار از طریق نشر آگهی در موعد مقرر. لهذا بزه انتسابی را محرز و مسلم دانسته و بااستناد ماده ۳۰۲ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۴ و تبصره ۲ ماده ۲۶۹ از قانون مجازات اسلامی متهم موصوف را از جهت جنبه خصوصی به تحمل پرداخت هفت نفر شتر و چهار و نیم دینار بابت کبودی کمر و سیاه شدگی اطراف چشم چپ و خراشیدگی ساعد چپ و سمت چپ بینی (حارصه) و پارگی سمت چپ بینی (حارصه) و پارگی سمت چپ پیشانی و ابروی چپ و پلک تحتانی (دامیه)بعنوان دیه از دیه کامل در حق شاکى محکوم می نماید و از جهت جنبه عمومی به لحاظ نیم تجری نامبرده موصوف را به تحمل سه ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم مینماید. حکم صادره غیابی است و ظرف ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل واخواهی و اعتراض در همین دادگاه است.

**۱۶۶۷ رئیس شعبه ۱۱۰ دادگاه عمومی (جزائی) اهواز**

### آگهی احضار متهم

در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و به موجب این آگهی به متهم عزیز دو دانگه فرزند دلاور مجهول المکان ابلاغ می شود برابر شکایت عبدالرضا مرادی دائر بر سرقت در پرونده کلاسه ۱۹۷۱/۴/۱۸ به اتهام فوق تحت تعقیب می باشد و وقت رسیدگی برای روز چهارشنبه ساعت ۱۳۳۰- ۸۷۱۰/۳۰ تعیین گردیده است در وقت مقرر در این شعبه حاضر گردد در صورت عدم حضور یا عدم ارسال لایحه یا معرفی وکیل به صورت غیابی به اتهامش رسیدگی خواهد شد مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا محلی درج گردد. **۱۷۵۶مدیر دفتر شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی دزفول**

### آگهی احضار متهم

آقای شهرام نجفی بدینوسیله به شما ابلاغ میشود که بموجب پرونده کلاسه ۸۸۰۴۷۴۱۱۰۸ بهاتهام مشارکت در سرقت های متعدد تحت تعقیب می باشید. چون نشانی از شما در دسترس نمی باشد علیهذا وقت رسیدگی ۸۷۷/۳۰ ساعت ۹ صبح مطابق ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری با درج در مطبوعات به جنابعالی ابلاغ میشود که حضوراً یا توسط وکیل و با تقدیم لایحه از خود دفاع نمائید. در غیر اینصورت دادگاه بطور غیابی وارد رسیدگی و مبادرت به اصدار رأی خواهد نمود.

**۱۶۶۳ رئیس شعبه ۱۰۸ دادگاه عمومی جزایی اهواز**

### آگهی احضار متهم

حسب پرونده کلاسه ۸۶۰۰۲۲۶ شعبه پانزدهم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب اهواز آقای محمد طاهری به اتهام سرقت تحت تعقیب این مرجع می باشد نظر به مجهول المکان بودن وی مستنداً به ماده ی ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری از طریق جراید به وی ابلاغ می شود ظرف مهلت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی جهت دفاع از اتهام انتسابی در این مرجع حاضر شود. در صورت عدم حضور تصمیم مقتضی اتخاذ می گردد.

**۱۶۶۴ دادیار شعبه پانزدهم دادسرای عمومی و انقلاب اهواز**

### آگهی احضار متهم

در پرونده کلاسه ۰۸۲/۱۰۸۲/۹۹۸۶۱۱۹۴۰۱۰۸۲ کیفری این دادگاه آقای یوسف بنی طرفی فرد فرزند جبار به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو تحت تعقیب این مرجع واقع و حسب محتویات پرونده دسترسی به مشارالیه مقدر نبوده و حسب الظاهر متواری می باشد. نظر به اینکه وقت دادگاه جهت رسیدگی به اتهام نامبرده برای تاریخ ۸۷۱۰/۸ ساعت ۸۳۰ صبح تعیین گردیده لذا به استناد ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری به مشارالیه از طریق نشر آگهی مراتب ابلاغ میشود تا در وقت مقرر در شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی اهواز جهت رسیدگی به اتهام خود حاضر یا لایحه ارسال نماید و یا وکیل معرفی نماید در غیر اینصورت با رعایت مواد ۱۸۱ و ۲۱۷ قانون مارالبیان دادگاه به اتهام مذکور غیابی رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد شد. **۱۶۶۹ رئیس شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی اهواز**

## گفتگو

## ۱۳

یکشنبه  ▲ شماره۱۸۱۰  ▲ ۳ آبان ۱۳۸۸

### نگاه

### اصول مدیریت کیفیت(۱)

### ابوالقاسم احمدی

در این مقاله هشت اصل مدیریت کیفیت که در استانداردهای سیستم مدیریت کیفیت بر مبنای سری ایزو ۹۰۰۰-۲۰۰۰ کاربرد دارد را معرفی می گردد . مدیریت ارشد هر سازمان می تواند از این اصول بعنوان چارچوبی برای راهنمایی سازمان خویش به منظور بهبود عملکرد ها استفاده نماید.

### تمرکز بر مشتری

هر سازمانی به مشتریان خود وابسته است و باید نیازهای حال و آینده آنان را درک نماید و نیازمندی های مشتریان خود را برآورده نماید. علاوه بر این سازمان ها باید برای عبور از انتظارات مشتریان خود برنامه ریزی و تلاش نمایند.

تمرکز بر مشتری و درک نیازهای حال و آینده او باعث پاسخگویی منطغف و سریع سازمان به فرصت های بازار و در نتیجه افزایش سود سهام و سهم بازار برای سازمان خواهد شد.

### رهبری

مدیر سازمان که از منش رهبری برخوردار است باید مقاصد و جهت گیری یکنواختی را در سازمان ایجاد نماید و محیط داخلی سازمان را به گونه ای ایجاد و نگهداری نماید که کارکنان بتوانند در دستیابی به اهداف سازمانی کاملاً مشارکت نمایند. مدیریت سازمان با منش رهبری باعث می گردد کارکنان مقاصد و اهداف سازمانی را درک نموده و برای دستیابی به آنها از انگیزه کافی برخوردار شوند.

### مشارکت کارکنان

کارکنان جوهره سازمان بوده و مشارکت آنها باعث خواهد گردید تا توانایی هایشان مزیت سازمان محسوب گردد. ایجاد انگیزه، تعهد و مشارکت کارکنان نسبت به سازمان، نوآوری و خلاقیت در پیشبرد اهداف سازمان را به ارمغان خواهد آورد. ایجاد مسئولیت پاسخگویی کارکنان در رابطه با عملکردشان و همچنین ایجاد اشتیاق در مشارکت و همکاری ایشان زمینه ساز بهبود مستمر در سازمان خواهد بود.

### رویکرد فرایندی

نتایج مورد نظر در سازمان هنگامی که فعالیت ها و منابع مرتبط به صورت فرایندی مدیریت می شوند، با اثربخشی بیشتر حاصل می گردند. رویکرد فرایندی باعث هزینه کمتر و چرخه زمانی کوتاهتر در استفاده از منابع بوده و نتایج بهبود یافته، سازگار و قابل پیش بینی را برای سازمان به ارمغان خواهد آورد. همچنین رویکرد فرایندی بر فرصت های بهبود متمرکز خواهد گردید و آنها را اولویت بندی می نماید.

### دادنامه

پرونده کلاسه: ۰۲۸۴/۱۱۶۶۰۰/۹۹۸۶۱۱۳۳۰۰۳۳۴ رسیدگی: ۱۳۸۷۰۴/۲۷ شعبه ۱۱۰دادگاه جزائی اهواز شاکى : آقای علی طرفی فرزند عبدالزهر ا به نشانی اهواز، مسیر کوت عبدالله، شکاره یک، فتح یک، پ ۱۷ متهم: آقای رسول صالحی مجهول المکان (متواری) اتهام: عدم رعایت نکات ایمنی منتهی به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی

### رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای رسول صالحی دایر بر عدم رعایت نکات ایمنی به ایراد ضرب و جرح غیر عمدی نسبت به آقای علی طرفی دادگاه با بررسی و مطالعه کلیه اوراق و محتویات پرونده و تحقیقات بعمل آمده و گزارش مرجع انتظامی، نظریه کارشناسی و پزشکی قانونی و شکوائیه شاکى، عدم حضور متهم در موعد مقرر در دادگاه علیرغم ابلاغ وقت رسیدگی از طریق نشر آگهی در در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار کشور. لهذا بزه انتسابی را محرز و مسلم دانسته و بااستناد ماده ۳۰۲ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۴ و تبصره ۲ ماده ۲۶۹ از قانون مجازات اسلامی متهم موصوف را از جهت جنبه خصوصی به تحمل پرداخت یک نفر شتر بابت پارگی خلف ساق پای راست، دامیه بعنوان دیه و نیم درصد از دیه کامله بعنوان ارش بابت تورم پای راست در حق شاکى و نیز با رعایت بند ۵ ماده ۲۲ از قانون مجازات اسلامی به تحمل پرداخت مبلغ یک میلیون ریال بعنوان جزای نقدی در حق دولت محکوم می نماید. حکم صادره غیابی است و ظرف ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل واخواهی و اعتراض در همین دادگاه است.

**۱۶۶۸ رئیس شعبه ۱۱۰ دادگاه عمومی (جزائی) اهواز**

### آگهی احضار متهم

در پرونده کلاسه ۰۰۰۶/۹۹۸۶۱۱۳۳۰۰۸۶ کیفری این دادگاه آقای مسعود برات قره باغی فرزند عبدالرضا به اتهام خیانت در امانت و انتقال مال غیر تحت تعقیب این مرجع واقع و حسب محتویات پرونده دسترسی به مشارالیه مقدر نبوده و حسب الظاهر متواری می باشد. نظر به اینکه وقت دادگاه جهت رسیدگی به اتهام نامبرده برای تاریخ ۸۷۹/۲۸ ساعت ۸۳۰ صبح تعیین گردیده لذا به استناد ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری به مشارالیه از طریق نشر آگهی مراتب ابلاغ میشود تا در وقت مقرر در شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی اهواز جهت رسیدگی به اتهام خود حاضر یا لایحه ارسال نماید و یا وکیل معرفی نماید در غیر اینصورت با رعایت مواد ۱۸۱ و ۲۱۷ قانون مارالبیان دادگاه به اتهام مذکور غیابی رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد شد.

**۱۶۷۰ رئیس شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی اهواز**